

In The Name Of God

TEC Method : Classic

1. He answered all the questions correctly.	۱. او به همه سوالات به درستی پاسخ داد.
2. We waited there for her, but you didn't.	۲. ما در آنجا منتظرش شدیم، اما تو نه.
3. She passed away two days ago.	۳. او دو روز پیش فوت کرد.
4. The train arrived ten minutes late.	۴. قطار ده دقیقه دیر رسید.
5. By the way, How is your grandmother?	۵. راستی، مادربزرگت چطوریه؟
6. I enjoyed the lunch very much.	۶. از ناهار خیلی لذت بردم.
7. It was very cold last night.	۷. دیشب هوا خیلی سرد بود.
8. My father used to smoke a lot.	۸. سابقاً پدرم خیلی سیگار می کشید. (اشاره به کاری که قبلاً انجام می شده ولی حالا نه)
9. He wasn't at work yesterday.	۹. او دیروز سر کار نبود.
10. We used to live in Shiraz.	۱۰. قبلاً در شیراز زندگی می کردیم.
11. Where was your husband yesterday?	۱۱. دیروز شوهرت کجا بود؟
12. I called you several times, but the line was busy.	۱۲. چند بار به شما زنگ زدم ولی تلفن اشغال بود.
13. He didn't answer all the questions correctly.	۱۳. او به همه سوالات به درستی پاسخ نداد.
14. How did you catch cold in this warm weather?	۱۴. چگونه در این هوای گرم سرما خوردی؟
15. Did he answer all the questions?	۱۵. آیا او به همه سوالات به درستی پاسخ داد؟
16. I'm not sure exactly where I put it.	۱۶. دقیقاً مطمئن نیستم که آن را کجا گذاشتم.
17. I didn't mean to upset you.	۱۷. نمی خواستم (قصد نداشتم) که شما را ناراحت کنم.
18. Where did you put it?	۱۸. آن را کجا گذاشتی؟
19. What do you mean?	۱۹. منظورت چیه؟
20. I was sick yesterday.	۲۰. دیروز مریض بودم.
21. They were here on business.	۲۱. آن ها برای کار اینجا بودند. (آن ها برای کار اینجا آمده بودند).
22. We were at home last night.	۲۲. ما دیشب در خانه بودیم.
23. Weren't they here on vacation last year?	۲۳. آیا آن ها پارسال برای تعطیلات اینجا نبودند؟ (نیامده بودند؟)
24. Weren't you at the mosque last night?	۲۴. آیا دیشب در مسجد نبودید؟
25. What day was yesterday? It was Friday.	۲۵. دیروز چه روزی بود؟ (دیروز چند شنبه بود؟) جمعه بود.
26. I saw him this morning.	۲۶. امروز صبح، او را دیدم. (دیدمش).
27. He said nothing.	۲۷. او هیچ چیز نگفت. (جمله دارای فعل مثبت ولی مفهوم منفی است.)
28. When did you see him?	۲۸. چه موقع او را دیدی؟ (کی دیدیش؟)
29. Whenever I went there, he was working.	۲۹. هر وقت به آنجا می رفتم، او مشغول کار کردن بود.
30. The nurses came, but the doctor didn't.	۳۰. پرستارها آمدند ولی دکتر نه.
31. He was talking and writing at same time.	۳۱. در یک زمان او هم مشغول نوشتن بود و هم مشغول صحبت کردن.
32. We were playing football.	۳۲. ما در حال فوتبال بازی کردن بودیم. (ما داشتیم فوتبال بازی می کردیم.)
33. She was riding the lesson three.	۳۳. او در حال درس خواندن بود. (او داشت درس می خواند.)
34. What were you doing two hours ago?	۳۴. دو ساعت پیش، مشغول چه کاری بودید؟ (چیکار می کردید؟)
35. What was she doing?	۳۵. او مشغول انجام چه کاری بود؟ (او چیکار می کرد؟)
36. They were eating their Breakfast at that moment.	۳۶. در آن لحظه، مشغول خوردن صبحانه شان بودند (داشتند صبحانه شان را می خوردند).
37. I was helping my mother.	۳۷. مشغول کمک کردن به مادرم بودم. (داشتم به مادرم کمک می کردم.)
38. What were they doing?	۳۸. آن ها مشغول انجام چه کاری بودند؟ (آن ها چیکار می کردند؟)
39. The sun was shine.	۳۹. خورشید در حال درخشیدن بود. (خورشید داشت می درخشید.)
40. We were racing.	۴۰. ما در حال مسابقه دادن بودیم. (ما داشتیم مسابقه می دادیم.)
41. He was washing and cleaning his car from eight to ten.	۴۱. او از ساعت ۸ تا ۱۰ در حال شستن ماشین بود. (داشت ماشین می شست.)
42. Ali was sitting next to me.	۴۲. علی کنار من نشسته بود (در حال نشستن بود).
43. What was your father doing yesterday morning?	۴۳. دیروز صبح، پدرت مشغول چه کاری بود؟ (پدرت چیکار می کرد؟)
44. Was Ali standing near the window?	۴۴. آیا علی نزدیک پنجره استاده بود؟
45. I was peaking to them, as they were walking.	۴۵. من داشتم با آن صحبت می کردم، همانطور که آن ها قدم می زدند.
46. 1. It's getting late. 2. It's getting dark. 3. I'm getting late.	۴۶. ۱. داره دیر می شه. ۲. داره تاریک می شه. ۳. داره دیرم میشه.
47. When they went, it was getting dark.	۴۷. وقتی آن ها رفتند، هوا داشت تاریک می شد.
48. I left my papers.	۴۸. مدارک هایم را جا گذاشتم.
49. We were Shopping all the morning.	۴۹. تمام صبح مشغول خرید کردن بودیم. (تمام صبح داشتیم خرید می کردیم.)
50. Why did you come back so soon?!	۵۰. چرا به این زودی برگشتی؟

51. Where were you going this morning?	۵۱. امروز صبح کجا داشتید می‌رفتید؟
52. He is getting thin and I am getting fat.	۵۲. او در حال لاغر شدن است و من در حال چاق شدن هستم.
53. He was cutting the trees.	۵۳. او مشغول بریدن درخت‌ها بود. (او داشت درخت‌ها را می‌برید.)
54. My secret is : "you have a big mouth."	۵۴. راز من این است : " تو یک دهن‌گشاد (دهن‌لق) هستی."
55. Amir was not swimming in the pool.	۵۵. امیر مشغول شنا کردن در استخر نبود.
56. The cake is ready, you can turn the oven off.	۵۶. کیک آماده است، تو می‌توانی اجاق را خاموش کنی.
57. May I turn on the light and turn the radio down.	۵۷. ممکن است لامپ را روشن کنم و رادیو را کم کنم؟
58. 1. Turn on 2. Turn off 3. Turn up 4. Turn down	۵۸. ۱. روشن کردن ۲. خاموش کردن ۳. زیاد کردن (صدا) ۴. کم کردن (صدا)
59. Let me see if he is here or not.	۵۹. (به من) اجازه دهید تا ببینم آیا او اینجا هست یا نه.
60. He is really good at it, Good job!	۶۰. او واقعاً در آن کار وارد است، (به شخص کناری) کارتان خوب بود! (به خود شخص)
61. May I speak to Mr. X? It is very urgent.	۶۱. ممکن است با آقای ایکس صحبت کنم؟ خیلی فوری است.
62. This is just what I was looking for.	۶۲. این درست همان چیزی است که دنبالش می‌گشتم.
63. May I leave the classroom?	۶۳. ممکن است از کلاس بروم بیرون؟
64. May I be excused?	۶۴. ممکن است بروم بیرون؟ (← یک اصطلاح است به معنای عذر خواهی برای ترک محل)
65. Excuse me, May I use your phone?	۶۵. ببخشید، می‌توانم از تلفن شما استفاده کنم؟
66. Of course! You can Trust me.	۶۶. البته! تو می‌توانی به من اعتماد کنی.
67. May I sit here? / Can I sit here?	۶۷. ممکن است اینجا بشینم؟ / می‌توانم اینجا بشینم؟
68. Can you keep a secret?	۶۸. آیا می‌توانی یک راز نگه داری؟
69. May I come in? / Can I come in?	۶۹. ممکن است بیام داخل (داخل شوم)؟ / می‌توانم داخل شوم؟
70. Good job! / Great job! / Well done!	۷۰. کارتان خوب بود! / خسته نباشید! (← بعد از دیدن کاری رضایت بخش گفته میشود.)
71. They may Come here next week.	۷۱. ممکن است آنه هفته آینده به اینجا بیایند.
72. I am good at physics and he is good at playing piano.	۷۲. من در فیزیک خوبم (مهارت دارم) و او در پیانو زدن مهارت دارد.
73. I may see him tomorrow.	۷۳. ممکن است فردا او را ببینم.
74. What are you good at?	۷۴. شما در چه کاری خوب هستید (مهارت دارید)؟
75. I can hardly speak Arabic.	۷۵. من به زحمت می‌توانم عربی صحبت کنم.
76. Do you know him / Her? No, I don't think so.	۷۶. آیا او را می‌شناسی؟ نه، اینطور گمان نمی‌کنم.
77. I am not sure I can pass it.	۷۷. مطمئن نیستم که بتوانم آن (درس) را پاس کنم (قبول شوم).
78. 1. No, I don't think so. 2. Yes, I think so. 3. I hope so.	۷۸. ۱. نه، اینطور گمان نمی‌کنم. ۲. بله، اینطور فکر می‌کنم. ۳. امیدوارم (اینطور باشد)
79. Did you pass the mathematical?	۷۹. آیا (درس) ریاضی را پاس کردی (قبول شدی)؟
80. Is he a good coach? I hope so.	۸۰. آیا او یک مربی خوب است؟ امیدوارم اینطور باشد. (نمی‌دانم، ولی امیدوارم)
81. I am sorry, I can't. / I am afraid, I can't.	۸۱. متاسفم، نمی‌توانم. (← در پاسخ به تقاضایی که قادر به انجام آن نباشیم گفته می‌شود.)
82. Just do what I do!	۸۲. درست هر کاری که می‌کنم، انجام بده.
83. Can you come to my friend's house tonight?	۸۳. آیا امشب می‌توانی به منزل دوست من بیایی؟
84. Just tell me what to do?	۸۴. فقط به من بگوید که چیکار باید بکنم؟ (یعنی مطمئن باشید که انجام می‌شود.)
85. He can easily solve these problems.	۸۵. او به راحتی می‌تواند این مسئله را حل کند.
86. I think this food is spoiled.	۸۶. فکر کنم این غذا فاسد شده است.
87. You should not lift heavy things by yourself.	۸۷. تو نباید اشیای سنگین را به تنهایی بلند کنی.
88. Please pay the cashier.	۸۸. لطفاً به صندوقدار بپردازید. (پول چیزهایی که خریده‌اید یا خریده‌اید.)
89. One should try not to tell a lie.	۸۹. آدم باید سعی کند که دروغ نگوید.
90. Should I pay here?	۹۰. آیا باید همینجا بپردازم. (پول چیزهایی که خریده‌ام یا خریده‌ام.)
91. You should eat more fruits.	۹۱. تو باید بیشتر میوه بخوری.
92. You should see a doctor.	۹۲. تو باید بروی دکتر. (← در انگلیسی می‌گویند : تو باید دکتر را ببینی.)
93. One should pay his debts.	۹۳. انسان باید بدهی‌هایش را بپردازد.
94. 1. It's time to sleep. 2. It's time to get up.	۹۴. ۱. وقت خوابه. ۲. وقت بیدار شدن.
95. It was a bad game. They all played badly.	۹۵. بازی بدی بود. آن‌ها همگی بد (به بدی) بازی کردند.
96. Now, we are even.	۹۶. حالا بی حساب شدیم. (← هنگام تلافی، انتقام و یا تسویه حساب مالی گفته میشود.)
97. The students sat silently on the benches.	۹۷. دانش‌آموزان ساکت روی نیمکت‌ها نشستند.
98. It's hard to solve.	۹۸. حل کردنش سخته.
99. You were a good boy, You spoke well too.	۹۹. تو پسر خوبی بودی، خوب هم صحبت می‌کردی. (در زمان شیره مالیدن بکار مرود...!)
100. It was made in china. (made in China)	۱۰۰. آن ساخت چین است.

101. He was a hard worker. He worked hard.	۱۰۱. او کارگر سخت کوشی بود. (صفت) او سخت کار می کرد. (قید)
102. Where was it made?	۱۰۲. آن ساخت کجاست؟
103. You were a better employee, because you worked better.	۱۰۳. تو کارمند بهتری بودی. (صفت) چون بهتر کار می کردی. (قید)
104. My ring is made of gold.	۱۰۴. حلقه من از طلا ساخته شده است.
105. He was a fast driver. He drove fast.	۱۰۵. او یک راننده سریع بود. (صفت) او با سرعت رانندگی می کرد. (قید)
106. What is it made of?	۱۰۶. آن از چی ساخته شده است؟ (جنسش از چیست؟)
107. He was a careless driver. He always drove carelessly.	۱۰۷. او راننده بی احتیاطی بود. او همیشه با احتیاط رانندگی می کرد.
108. This is out of my hand.	۱۰۸. از عهده من خارج است. / از دست من کاری بر نمی آید.
109. He is a careful driver. He always drive carefully.	۱۰۹. او راننده با احتیاطی است. او همیشه با احتیاط رانندگی می کند.
110. What date is today. It is the eight.	۱۱۰. امروز چندم است؟ هشتم است.
111. He is a good. Slow and careful driver.	۱۱۱. او یک راننده خوب، آهسته و با احتیاط است. (۳ صفت برای توصیف راننده)
112. It'll snow tonight. (It will snow tonight.)	۱۱۲. امشب برف خواهد بارید
113. We'll be there the day after tomorrow. (We will ...)	۱۱۳. پس فردا آن جا خواهیم بود.
114. We'll see. (We will see.)	۱۱۴. خواهیم دید. (بعداً معلوم میشه.)
115. Our team will have a game next Monday.	۱۱۵. تیم ما دوشنبه آینده بازی خواهد داشت.
116. We'll win you tomorrow. (We will ...)	۱۱۶. فردا از شما می بریم. (فردا برنده خواهیم شد.)
117. They'll close the shops on Saturday. (They will ...)	۱۱۷. آن ها روز شنبه مغازه ها را خواهند بست.
118. I'll see what I can do for you. (I will ...)	۱۱۸. ببینم چه کار می توانم برایتان انجام دهم. (نشان دهنده تلاش)
119. The boss won't see anybody till Sunday. (will not)	۱۱۹. رئیس تا یک شنبه هیچکس را نخواهد دید. (وقت ملاقات نمی دهد.)
120. It's only 2 minutes walk.	۱۲۰. فقط دو دقیقه راه پیاده را است.
121. What time will they return?	۱۲۱. چه ساعتی بر می گردند؟ (چه وقت بر خواهند گشت؟)
122. How long will it take?	۱۲۲. چه مدت طول می کشد؟ (زمان رسیدن به محل مورد نظر یا انجام کار مورد نظر)
123. They will come back (home) very soon.	۱۲۳. آن ها خیلی زود (به خانه) بر خواهند گشت.
124. I'll do it for you. (I will ...)	۱۲۴. برایت انجامش خواهم داد.
125. My father will sell the car as soon as he can.	۱۲۵. پدرم به محض این که بتواند آن ماشین را خواهد فروخت.
126. I am sure he will not accept it.	۱۲۶. مطمئن هستم قبول نخواهد کرد.
127. My father will buy a house as soon as possible.	۱۲۷. پدرم به محض این که امکان داشته باشد، خانه ای خواهد خرید.
128. If it rains, you'll get wet. (you will)	۱۲۸. اگر باران ببارد، خیس خواهی شد.
129. Seller: "Try this one." Buyer: "How much is it?"	۱۲۹. فروشنده: "این یکی را امتحان کن." خریدار: "قیمت آن چقدر است؟"
130. It is getting cold.	۱۳۰. هوا در حال سرد شدن است.
131. How many do you need? Only a few.	۱۳۱. چند تا احتیاج داری؟ فقط یک چندتایی.
132. Don't be nervous, everything will be ok.	۱۳۲. نگران نباش، همه چیز درست می شود.
133. I spend only a little time on English last night.	۱۳۳. دیشب فقط یک کمی روی انگلیسی وقت گذاشتم. (وقت صرف کردم.)
134. I have an interview tomorrow.	۱۳۴. فردا مصاحبه دارم.
135. How much time did you spend on English last night?	۱۳۵. دیشب چه مدت، روی انگلیسی وقت گذاشتی؟ (صرف انگلیسی کردی؟)
136. Sorry to bother you.	۱۳۶. ببخشید که مزاحمتان می شوم.
137. There are some books on the shelf.	۱۳۷. روی قفسه چند تایی کتاب وجود دارد.
138. Let me have a look at the mark list.	۱۳۸. به من اجازه دهید یک نگاهی به لیست نمره ها بیندازم.
139. How many books are there on the shelf?	۱۳۹. روی قفسه چند تا کتاب وجود دارد؟
140. Whose turn is it? It's my turn.	۱۴۰. نوبت کیه؟ نوبت من است.
141. There is some tea in the tea-pot.	۱۴۱. مقداری چای در قوری وجود دارد.
142. What is the meaning of this word, pleas?	۱۴۲. معنی این لغت چیست، لطفا؟
143. How many students are there absent today? Only a few.	۱۴۳. امروز چند نفر غایب هستند؟ فقط یک چند تایی.
144. I am sorry, It was all my fault.	۱۴۴. متاسفم، تمامش تقصیر من بود.
145. He sold a lot of books the day before yesterday.	۱۴۵. او پرروز کتاب های زیادی فروخت.
146. Whose fault was it?	۱۴۶. تقصیر چه کسی بود؟
147. There is some oil in the bottle.	۱۴۷. مقداری روغن داخل بطری هست. (روغن غیر قابل شمارش بوده و با فعل مفرد می آید.)
148. Why don't you take your coat off?	۱۴۸. چرا کتت را در نمی آوری؟
149. There is some honey in the jar.	۱۴۹. مقداری عسل در شیشه هست. (عسل غیر قابل شمارش بوده و با فعل مفرد می آید.)
150. Excuse me. What time do we take off?	۱۵۰. ببخشید. ساعت چند پرواز می کنیم. (هواپیما ساعت چند بلند می شود.)

151. There is some water in the pitcher.	۱۵۱. مقداری آب در پارچ هست.
152. You have to take a pill every 8 hours.	۱۵۲. باید هر هشت ساعت یک قرص میل کنید. (دکتر به مریض)
153. How many onions are there on the table?	۱۵۳. چه تعداد پیاز روی میز وجود دارد؟
154. How many times a day should I take it?	۱۵۴. چند بار در روز باید آن را بخورم؟ (مثلاً قرص)
155. Let's take a taxi. / Let's catch a taxi.	۱۵۵. اجازه بده تاکسی بگیریم. / بیا تاکسی بگیریم.
156. There is a fault in the electrical system.	۱۵۶. سیستم الکتریکی ایراد دارد.
157. I usually see him in the street every day.	۱۵۷. من معمولاً او را هر روز در خیابان می بینم.
158. You are spoiling her.	۱۵۸. شما دارید او را لوس می کنید. (مثلاً دخترتان را)
159. There isn't any oil in the bottle.	۱۵۹. هیچ روغنی در بطری نیست. (← در جملات منفی به جای some, پیشوند any می آید.)
160. Stop telling me what to do.	۱۶۰. اینقدر به من نگو چه کار کنم، چه کار نکنم. (اینقدر به من دستور نده.)
161. Is it there any oil in the bottle?	۱۶۱. آیا هیچ روغنی در بطری هست؟ (← در جملات سوالی به جای some, پیشوند any می آید)
162. He is very nervous.	۱۶۲. او خیلی عصبی هست.
163. He taught me English every other day.	۱۶۳. او یک روز در میان به من انگلیسی یاد می داد.
164. It is me. (It's me.)	۱۶۴. من هستم. (کسی که در می زند یا می آید داخل من هستم)
165. I spoke to them in English.	۱۶۵. من با آن ها انگلیسی صحبت کردم.
166. Who is that? / Who is it? (Who's that? / Who's it?)	۱۶۶. کیه؟ (از پشت در یا پشت تلفن)
167. He wrote a letter to us last week.	۱۶۷. او هفته پیش به نامه برای ما نوشت.
168. Have you an extra pen? / Do you have an extra pen?	۱۶۸. مداد اضافه داری؟
169. I always stopped by every other week.	۱۶۹. من همیشه یک هفته در میان به او سر می زدم.
170. If I get a chance, I'll do it for you.	۱۷۰. اگر فرصتی پیدا کنم برایت انجامش می دهم.
171. How often did you drop by your grandmother?	۱۷۱. هر چند وقت به چند وقت به مادربزرگت سر می زدی؟ (هر چند وقت یکبار ...؟)
172. The car of Maryam's mother is blue.	۱۷۲. ماشین مادر مریم آبی است. (← ارتباط اشیا به کمک Of)
173. He always comes to school late.	۱۷۳. او همیشه دیر به مدرسه می آید.
174. 1. Whose is this? 2. Whose is this one? 3. Whose is this blue one?	۱۷۴. ۱. این مال کیه؟ ۲. این یکی مال کیه؟ ۳. این یکی آبی مال کیه؟
175. We usually get up at 10 o'clock on Fridays.	۱۷۵. ما معمولاً جمعه ها ساعت ۱۰ بیدار می شویم.
176. Maryam's mother's car is blue.	۱۷۶. ماشین مادر مریم آبی است. (← ارتباط اشیا بدون Of)
177. She seldom comes here.	۱۷۷. او به ندرت اینجا می آید. (← ظاهر جمله مثبت ولی مفهوم آن منفی است.)
178. The table of the kitchen is round.	۱۷۸. میز آشپزخانه گرد است. (← ارتباط اشیا به کمک Of)
179. Why doesn't she drop by us sometimes?	۱۷۹. چرا گاهی اوقات به ما سر نمی زند؟
180. The kitchen table is round.	۱۸۰. میز آشپزخانه گرد است. (← ارتباط اشیا بدون Of)
181. We are always happy, but they are seldom happy.	۱۸۱. ما همیشه خوشحال هستیم ولی آن ها ندرت خوشحال هستند.
182. Do you have the key of the main door?	۱۸۲. آیا کلید درب اصلی را دارید؟
183. I don't often go home late.	۱۸۳. من اغلب دیر به خانه نمی روم.
184. Do you have main door key?	۱۸۴. آیا کلید درب اصلی را دارید؟
185. My friend is never in his office.	۱۸۵. دوستم هیچ وقت در دفتر کارش نیست. (کلمه never مفهوم جمله را منفی کرده)
186. Keep out of reach of children.	۱۸۶. دور از دسترس بچه ها نگه دارید. (توصیه های دارویی و ایمنی)
187. You never clean the blackboard.	۱۸۷. شما هیچ گاه تخته سیاه را پاک نمی کنید.
188. Whose mother's car is blue?	۱۸۸. ماشین مادر چه کسی آبی است؟
189. I often get up early in the morning.	۱۸۹. من اغلب صبح زود از خواب بیدار می شوم.
190. Whose car is blue?	۱۹۰. ماشین چه کسی آبی است؟
191. It isn't main, perhaps it is Ahmad's.	۱۹۱. مال من نیست، شاید مال احمد باشد.
192. Expiry date. / EXP. Date	۱۹۲. تاریخ انقضا (آخرین مهلت مصرف دارو یا ...)
193. Parvin's book is lost.	۱۹۳. کتاب پروین گم شده است.
194. Product date = Pro. Date / Manufacturing date = Mfg. Date	۱۹۴. تاریخ تولید (تاریخ ساخت دارو یا ...)
195. Whose book is lost?	۱۹۵. کتاب چه کسی گم شده است؟
196. Store below 30° in dry and cool place in the box.	۱۹۶. در دمای زیر ۳۰ درجه، در جای خشک و خنک، در داخل جعبه نگهداری شود.
197. They worked well, fast, hard and carefully.	۱۹۷. آن ها به خوبی، با سرعت، سخت کوشانه و به دقت کار می کردند. (۴ قید برای توصیف فعل)
198. Protect from direct light, humidity and freezing.	۱۹۸. از نور مستقیم، رطوبت و یخ زدگی محافظت شود. (توصیه های ضروری)
199. Please fasten your seat belt.	۱۹۹. لطفاً کمربندها را ببندید. (در کنار جاده، هواپیما و یا بعضی اتومبیل ها نوشته شده)
200. 1. See you later... 2. Just between us ... 3. Oh, I see.	۲۰۰. ۱. می بینمت. ۲. فقط بین خودمان باشد. ۳. آهان، فهمیدم. (که اینطور!)